

عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد

حسام نصیری^۱

عبدالله محمدیان^۲

نعمت‌الله تقوی^۳

تاریخ وصول: ۹۷/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۰۴

چکیده

بزهکاری یک پدیده اجتماعی پیچیده است که در محیط‌های مختلف اجتماع به اشکال گوناگون بروز و ظهور می‌نماید. تعریف رفتار بزهکارانه در هر جامعه‌ای توسط قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می‌گردد. هدف از انجام این تحقیق، «سنجش تأثیر عوامل اجتماعی بر بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد» در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بوده است. به منظور انجام این پژوهش از روش پیمایش از نوع توصیفی-تبیینی و برای گردآوری داده‌های موردنیاز از پرسشنامه محقق‌ساخته بزهکاری استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق، کلیه دانش‌آموزان در فاصله سنی ۱۸-۱۵ سال مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ به تعداد ۶۱۳۰ نفر می‌باشد که از این تعداد جامعه آماری با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۴۰ نفر به عنوان حجم نمونه به دو شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده و طبقه‌ای انتخاب گردید. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته متشکل از دو بخش اطلاعات فردی و مؤلفه‌های عوامل مؤثر بر بزهکاری صورت گرفت و ضریب پایایی آن به کمک آلفای کرونباخ، ۸۱٪ به دست آمد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون آماری همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که فرضیه‌های دوستان ناباب و پایبندی خانواده به دین مورد تأیید قرار گرفت ولی رابطه دیگر فرضیه‌های تحقیق به عنوان عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری مورد تأیید قرار نگرفت.

واژگان کلیدی: بزهکاری، عوامل اجتماعی، دانش‌آموز، نوجوانان.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲- دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
۳- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز، ایران. (نویسنده مسئول). nemataghavi@gmail.com

مقدمه

بزه عبارت از اقدام به عملی است که برخلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای ارزشی و فرهنگی جامعه باشد. لذا اقدام به عملی که برخلاف موازین، مقررات و معیارهای ارزشی فرهنگ هر جامعه باشد، در آن جامعه بزهکاری یا جرم تلقی می‌شود و کسانی که مرتکب چنین عمل خلافی شوند، مجرم یا بزهکار نامیده می‌شوند (محمدی اصل، ۱۳۹۵: ۴۱). با این وجود در کتب جرم‌شناسی، بزهکار به کسی گفته می‌شود که متهم به ارتکاب رفتار ضداجتماعی و یا قانون شکنی است، ولی به علت آنکه به سن قانونی (معمولاً هیجده سالگی) نرسیده است، مانند یک مجرم بزرگسال مجازات نمی‌شود. ممکن است بزهکاری یک نوجوان مقدمه‌ای برای یک جنایت باشد، اما قلمرو بزه و جرم متفاوت است. زیرا برخی بزه‌ها جرم تلقی نمی‌شوند. گاهی فرد بزهکار به‌طور کلی فردی سرکش و ضداجتماع است و مرتکب اعمالی می‌گردد که اگر بزرگسال مرتکب شود، مجرم شناخته نمی‌شود. مثل فرار از خانه، تخریب اموال و ... هر چند بزرگسالان نیز می‌توانند همچون نوجوانان بزهکاری کنند؛ اما بزهکاری نوجوانان نسبت به جرایم بزرگسالان در تمام دنیا تقریباً محدود می‌باشد (معظمی، ۱۳۹۲: ۵۵).

یکی از مسائل و مشکلات بغرنج جوامع امروز که توجه بسیاری را به خود جلب کرده است، مسئله رواج بزهکاری در بین دانش‌آموزان است. بزهکاری پدیده‌ای طبیعی و ذاتی نیست و هیچ نوجوان و جوان بزهکاری از هنگام تولد مجرم به دنیا نمی‌آید؛ بلکه عوامل متعدد و گوناگونی او را به سوی ارتکاب به جرم و بزه سوق می‌دهد. اغلب روان‌شناسان، مهمترین علل بزهکاری جوانان را عوامل فردی - شخصیتی و جامعه‌شناسان، نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی عنوان می‌کنند. به عبارتی، گروه اول بزهکاری را ناشی از عدم خودکنترلی فردی و گروه دوم فقدان کنترل اجتماعی می‌دانند. اما آن چه که همگی آن‌ها بر آن اتفاق نظر دارند، تأثیر شیوه‌های تربیتی والدین و محیط‌های پرآشوب خانوادگی است که می‌تواند عاملی برای ارتکاب جوان به اعمال بزهکارانه محسوب شود (فرجاد، ۱۳۹۳).

رفتارهای بزهکارانه به مسئله‌ای بغرنج تبدیل شده که روز به روز آثار نامطلوبی را در حیات فردی و خانوادگی افراد برجای گذاشته و موجب نابسامانی‌های اجتماعی فراوانی شده که ریشه‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی آن از ابعاد مختلفی قابل تحلیل و بررسی است. به علت اینکه بیشتر گونه‌های رفتار بزهکارانه معلول عوامل و شرایط متعدد و متفاوتی است، از این رو وقوف به ماهیت آن‌ها به عنوان مجموعه‌ای به هم پیوسته نیازمند بررسی عوامل مختلفی در ارتباط با یکدیگر است. جامعه‌شناسی انحرافات عمدتاً به عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری پرداخته و از میان این عوامل، آگاهی والدین، وضع اقتصادی، از هم گسیختگی خانواده، رسانه‌های جمعی و همسالان را بیشتر مورد توجه قرار داده است (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۱).

در ارتکاب اعمال نابهنجار یا وقوع انحرافات نمی‌توان تنها از یک یا چند عامل محدود و مجزا سخن گفت زیرا امکان تفکیک یکایک این عوامل به سادگی میسر نیست. در این میان دانش‌آموزان مقطع

عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد

متوسطه دوم به دلیل حساسیت زیاد و سایر خصوصیات روحی و جسمی بیش از سایر افراد در معرض انواع فشارها و ناملایمات قرار دارند؛ به علاوه نداشتن تجربه و توانایی کافی در مقابله با مشکلات در بین نوجوانان، به ابتلای آنان به انواع انحرافات اجتماعی بیشتر دامن می‌زند. در واقع دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم خیلی زود تحت تأثیر عوامل محدود قرار می‌گیرند؛ به طوری که گاه برای حل مسائل یا ارضای نیازهایشان بسوی راههایی که سرانجام آن‌ها یاس و نابودی است، کشیده می‌شوند. در واقع این واکنش‌ها نیز نوعی مکانیسم دفاعی در برخورد با مشکلات و مسائل زندگی است به نحوی که طی آن فرد راه عقب‌نشینی یا فرار را انتخاب نموده و به این ترتیب خود را از مشکلات زندگی مصون می‌دارد. بنابراین برای جلوگیری از کشیده شدن این نسل به سوی انحرافات باید نیازهای فردی و اجتماعی آن‌ها در حد معقول بررسی و شناسایی گردد تا در راستای ارضای این نیازها به طرف زندگی سالم متکی به خود راهنمایی گردند. ضمناً تأکید بر این نکته ضروری است که بزهکاری امروز دانش‌آموزان این مقطع می‌تواند زمینه‌ساز جرائمی بزرگ تا حد جنایت در آینده آنان باشد و این امری است که برای حفظ جامعه و نیروهای آن مستلزم اقدامات جدی است.

پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند، جامعه‌ای که دارای ثبات و پایداری اجتماعی نباشد، با معضلات و گرفتاری‌های زیادی رو به رو می‌شود. در حقیقت، بسیاری از نوجوانان بزهکار محصول آسیب‌های اجتماعی هستند که نتوانسته‌اند با بحران‌ها و مسائل خاص خود به مقابله برخیزند. با توجه به این که احکام در جوامع گوناگون متفاوت است، فرد متخلف در یک جامعه ممکن است در جامعه دیگر از تخلف مبری باشد. هدف از این بررسی آن است که با تکیه بر نظریه‌های موجود جامعه‌شناسی درباره بزهکاری کودکان و نوجوانان با استفاده از داده‌های عینی به دست آمده از افراد مجرم و با بکارگیری تحلیل‌های پیشرفته آماری، مسئله بزهکاری نوجوانان دانش‌آموز مقطع متوسطه دوم را بررسی کنیم و به ساختار عوامل مؤثر بر بزهکاری پی ببریم.

هیرشی در نظریه کنترل اجتماعی معتقد است که: «بزهکاری به عنوان مسئله‌ای اجتماعی باید در عرصه خانواده، محله، مدرسه، همسالان و سایر ارگان‌ها یا مؤسسات اجتماعی که نوجوان به نوعی در آن‌ها عضویت دارد، بررسی شود.» هیرشی معتقد است که: «بزهکاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود. هیرشی بزهکاری را ناشی از بی‌اهمیتی و بی‌اعتنایی به قید و بندهای اجتماعی می‌داند. به نظر هیرشی افراد بزهکار قادر به ایجاد وابستگی معقول و منطقی با سایرین نیستند. از این رو رابطه بین اعمال بزهکارانه و داشتن رفقای بزهکار رابطه‌ای ظاهری است.

تراوس هیرشی معتقد است که کجروی معلول ضعف و یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است. به نظر هیرشی افرادی که با گروه‌های دیگر مثل خانواده، مدرسه و گروه همسالان رابطه قوی و محکمی دارند، کم‌تر احتمال دارد مرتکب اعمال بزهکارانه شوند. نظریه هیرشی حاکی از آن است که کاهش دلبستگی و صمیمیت در روابط متقابل اعضای خانواده روی میزان بزهکاری تأثیر مثبت دارد. هر چه همبستگی میان

اعضا بیشتر باشد، میزان کنترل بیشتر می‌شود و هر چه میزان کنترل بیشتر شود، بزهکاری کمتر می‌شود. علاوه بر این، نظریه هیرشی نشان می‌دهد که مشغول بودن، فرصت برای فعالیت‌های بزهکارانه را محدود می‌کند. به عبارت دیگر، بین بیکاری و شدت بزهکاری همبستگی وجود دارد (Hirschi, 2009: 34-38).

براساس نظریه بی‌سازمانی اجتماعی دورکیم، بین رفتار انحرافی و عواملی چون: سن، جنس، تراکم و رشد جمعیت، شهرنشینی و مذهب همبستگی معنی‌داری وجود دارد. به اعتقاد این محققان، عوامل اجتماعی فوق، افراد را کنترل می‌کنند؛ ولی هنگامی که این عوامل بی‌ثبات شوند، افراد توان کمتری برای کنترل رفتار خود دارند و فقدان ثبات در ساختار اجتماعی، رفتار انحرافی را به همراه خواهد داشت (احمدی، ۱۳۹۴: ۴۳). از نگاه این نظریه، مسائل اجتماعی محصول درهم‌ریختگی سازمان اجتماعی و فرهنگی است. چنان که طلاق، جنایت، جنگ، خودکشی، اعتیاد، خشونت، الکلیسم و سایر مسائل اجتماعی از این نگاه برآیند گسیختگی مناسبات هنجارین مردمی است که جامعه، ثبات و استمرار خود را مدیون آن‌ها می‌داند (محمدی‌اصل، ۱۳۹۵: ۱۳۸-۱۲۳).

نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی کاهش کارآیی نهادهای اجتماعی مانند خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به عنوان نیروهای غیررسمی کنترل اجتماعی، همچنین کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پیامد رشد سریع صنعتی‌شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی حوزه‌های شهری می‌شود را باعث افزایش جرمی همچون: قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد می‌داند (احمدی، ۱۳۹۴: ۴۳).

برگس در نظریه بوم‌شناختی معتقد بود که در منطقه انتقالی، به دلایلی چون: سطح بالای تحرک جمعیت، نرخ بالای مهاجرت، ویرانی خانه‌ها و تراکم جمعیت، بالاترین نرخ جرم و بزهکاری مشاهده می‌شود. عدم ثبات جمعیتی و بوم‌شناختی در منطقه انتقالی موجب تخریب توانایی کارکردی نهادهای اجتماعی از قبیل: خانواده و کنترل رفتار ساکنان می‌شود. از طرفی، ارزش‌های سنتی فرهنگ قومی توان متقاعدسازی نوجوانان و جوانان را نداشته و آنان به یک وضعیت حاشیه‌ای کشیده می‌شوند. در چنین شرایطی، گروه‌های هم‌سال بزهکار جای خالی را پر کرده و راه‌حلی برای خروج از این وجود حاشیه‌ای ارائه می‌دهند. در وضعیت‌هایی که هیچ گروهی به عنوان یک گروه مرجع در صحنه حاضر نباشد، تداوم انزوا و تنهایی موجب ارتکاب رفتارهای بزهکارانه‌ای نظیر: استفاده از مواد مخدر و انحرافات جنسی می‌شود (احمدی، ۱۳۹۴: ۵۹-۵۵).

یکی دیگر از اندیشمندان مطرح در رویکرد کارکردگرایی ساختاری، تالکوت پارسونز می‌باشد. پارسونز در نظریه کنش اجتماعی معتقد بود که ایجاد یک جامعه ممکن نیست مگر این که تمام افراد بالغ، اصولی را بپذیرند که براساس آن نحوه تقسیم کار برای همه قابل درک و تحمل شود. به این معنا که جامعه از انسان‌هایی تشکیل شده که درباره یکسری ارزش‌های به خصوص اتفاق نظر دارند و درباره آن‌چه که درست یا نادرست تصور می‌شود، یکسان می‌اندیشند. این ارزش‌ها به نابرابری‌های موجود در سازمان

عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد

اجتماعی مشروعیت می‌بخشند و از نظر اخلاقی آن‌ها را برای افراد جامعه پذیرفتنی می‌کند. به طور کلی، بحث اصلی پارسونز در تبیین انحرافات اجتماعی بر مبنای پیش‌فرضی که در مورد خرده نظام‌های چهارگانه: فرهنگ، اجتماع، شخصیت و اقتصاد مطرح کرده، شکل گرفته است. کارکردهای مناسب هر یک از این خرده نظام‌ها و ارتباط و کنش متقابل بین آن‌ها عامل کنترل‌کننده جامعه و همچنین عامل بقاء و پایداری نظام اجتماعی است. در مقابل، عدم تعادل و بی‌سازمانی در هر یک از خرده نظام‌ها حیات جامعه را تهدید کرده و زمینه را برای رفتار انحرافی فراهم می‌سازد. از نگاه جامعه‌شناسی پارسونزی، نهادها و سازمان‌های اجتماعی، عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه‌پذیری، الگوهای رفتاری و درونی ساختن آن‌ها در افراد هستند. در صورتی که نهادها و سازمان‌های کارگزار جامعه‌پذیری نظیر: خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارآیی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی شده و پیامد آن، شیوع رفتار انحرافی در جامعه است. پارسونز، آنومی را نیز حاصل گسیختگی کامل نظم هنجاری می‌داند. او مفاهیمی با عنوان محرک، اقناع، اجبار و اضطراب به کار برده و بر این باور بود که این‌ها شکل‌هایی از هم‌نوایی اجباری است. او انحراف اجتماعی و هم‌نوایی را به عنوان رفتاری معرفی می‌کند که در بستر کنش متقابل اجتماعی و با تکیه بر مفهوم نقش اجتماعی و انتظارات مربوط به آن، رشد و معنا می‌یابد. پارسونز روابط فرزند و والدین را به عنوان منبعی از طغیان دوره جوانی ذکر کرده و اظهار می‌دارد که جوانان به دلیل بعضی از گویه‌های پذیرفته شده فرهنگ خانواده‌های طبقه متوسط، مرتکب رفتار بزهکارانه می‌شوند (احمدی، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۴).

آگینو در نظریه فشار خود می‌گوید: «بزهکاری هنگامی رخ می‌دهد که افراد نمی‌توانند آن چه را می‌خواهند از طریق مجاری مشروع به دست آورند. بر اساس نظریه فشار خواسته‌های برآورده نشده فشاری بر فرد در جهت بزهکاری وارد می‌کند. به اعتقاد آگینو، بزهکاری ممکن است روشی برای کاهش فشار باشد. یعنی برای دستیابی به اهداف دارای ارزش مثبت، برای حفظ یا تقویت محرک‌های مثبت یا برای پایان بخشیدن یا فرار از محرک‌های منفی. البته بزهکاری ممکن است برای لذت‌جویی یا هنگامی که بزرگسالان درصدد اداره کردن حالات عاطفی منفی خود از طریق مصرف مواد مخدر باشند، رخ دهد» (کاوه، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۲).

ادوین ساترلند در نظریه تفاوت ارتباطات خود می‌گوید افراد تا آن حد منحرف می‌شوند که در محیط‌هایی شرکت کنند که ایده‌ها، محرک‌ها و تکنیک‌های بزهکاری مورد قبول آن محیط باشد. ساترلند ادعا نمود که از طریق فرایندهای جامعه‌پذیری بعضی افراد نسبت به دیگران بیش‌تر مستعد ارتکاب به جرایم هستند این افراد یک جهت‌گیری به سمت جرایم را درونی کرده‌اند که این جهت را از گروه‌هایی کسب کرده‌اند که به آن‌ها در رابطه نزدیک بوده‌اند. این گروه ممکن است خانواده یا گروه بازی دوران کودکی، گروه دوستان بزرگسالی و یا همسایگان باشد که در جامعه‌پذیری فرد مؤثرند. همچنین خرده فرهنگ‌هایی وجود دارد که در آن‌ها می‌توان راه ارتکاب جرایم را آموخت و رفتارهایی

خلاف رفتارهای رایج در جامعه را تشویق می‌کنند. ساترلند بزهداری را ناشی از خطای خانواده‌ها دانسته است که قادر به یاد دادن ارزش‌ها و هنجارها نبوده‌اند. به نظر وی نگرانی‌ها و نیازهای ارضاء نشده در افراد عادی و بزهدکار شبیه به هم است و تنها روش‌های یاد گرفته شده واکنش به این نگرانی‌ها و محرک‌ها در آنان متفاوت است. خانواده به عنوان محیط یادگیری اولیه نوجوانان بر بزهدکاری مؤثر است. هر چه روابط اعضای خانواده سالم و از صمیمیت بیشتری برخوردار باشد، امکان بروز انحراف کم‌تر می‌باشد. یک خانواده منظم و منجسم از نظر مسئله بزهدکاری به مراتب کمتر با مشکلات روبرو است تا یک خانواده بی‌نظم. در این جا حمایت‌های هنجاری قوی‌تر است و فرصت برای آموختن و یادگیری انحرافات کمتر می‌باشد. یک اجتماع و گروه همسایگان با ثبات احتمالاً دارای درصد پایین‌تری از ارتکاب جرم نسبت به یک اجتماع بی‌ثبات می‌باشد. هر چه خانواده منظم و منجسم‌تر باشد، حمایت‌های هنجاری قوی‌تر و فرصت یادگیری انحرافات کمتر می‌باشد. ادوین ساترلند جرم را به آن چه که تفاوت ارتباطات نامیده است، مربوط می‌داند. در جامعه‌ای که دارای خرده فرهنگ‌های گوناگون متعددی است برخی محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت‌های غیرقانونی هستند، در صورتی که محیط‌های دیگر چنین نیستند افراد از طریق ارتباط با دیگران که حاصل هنجارهای تبهکارانه هستند، بزهدکار یا تبهکار می‌شوند. به نظر ساترلند اکثراً رفتار تبهکارانه در درون گروه‌های نخستین به ویژه گروه‌های همسالان فرا گرفته می‌شود. این نظریه فعالیت‌های تبهکارانه را تا حد زیادی همانند فعالیت‌های تابع قانون، به عنوان فعالیت‌های فرا گرفته شده و به طور کلی در جهت همان نیازها و ارزش‌ها در نظر می‌گیرد. دزدان همانند مردمی که در مشاغل رسمی هستند، می‌کوشند پول به دست آورند، اما آن‌ها شیوه‌های غیرقانونی را برای این کار انتخاب می‌کنند (ستوده، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

مرور پژوهش‌های انجام گرفته در این رابطه بیانگر این است که عوامل مختلفی بر بزهدکاری دانش‌آموزان تأثیر گذار است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

در سال ۱۳۷۲ تحقیقی توسط خلیف عبدالمهی با عنوان «بررسی ساختار خانواده با تنوع فراوانی ناهنجاری‌های دانش‌آموزان سه دوره تحصیلی در استان سمنان» انجام شد که نتایج نشان می‌دهد بین عوامل ساختاری خانواده دانش‌آموزان با ناهنجاری‌های آنان ارتباط وجود دارد. هر قدر عوامل ساختاری خانواده در حال تعادل قرار داشته‌اند، موجب کاهش ناهنجاری‌ها، و هر چه آشفتگی و گسستگی خانواده‌ها زیادتیر بوده به همان میزان هم اختلالات و ناهنجاری‌های بیشتری وجود داشته است. پژوهش دیگری در سال ۱۳۷۲ با عنوان «عوامل مؤثر در انحرافات اجتماعی با تأکید بر عوامل خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی مؤثر بر بزهدکاری نوجوانان» توسط ذبیح الله صادقی صورت گرفت. وی در این تحقیق نشان داد: از هم گسستگی خانواده و کاهش انسجام و یکپارچگی آن افزایش سوء رفتارهای والدین منجر به اخراج یا فرار فرزندان از خانواده می‌شود. همچنین مدرسه و اجتماع (مردم) اگر نتوانند بر رفتار و انتظارات نوجوانان،

عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد

نظارت کافی داشته باشند و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در کانال طبیعی به آن‌ها بیاموزند، موجب سر درگمی به تبع آن بروز هنجارشکنی و ناهنجاری‌ها در نوجوانان خواهد شد.

موسی‌نژاد (۱۳۷۸)، در پژوهشی که در زمینه انحرافات اجتماعی نوجوانان و جوانان انجام داده است، نشان می‌دهد بین شیوه‌های تربیت استبدادی، میزان پایبندی مذهبی والدین و نوع معاشرت پاسخ‌گویان با متغیر وابسته (گرایش به مواد اعتیاد آور نوجوانان) رابطه معناداری وجود دارد. اما رابطه بین چهار متغیر دیگر (شیوه تربیت دموکراتیک، میزان نابسامانی خانواده‌ها، میزان استفاده از اوقات فراغت و مهاجرت) با گرایش نوجوانان و جوانان به مواد اعتیادآور معنی‌دار بوده است (موسی‌نژاد، ۱۳۷۸: ۲۰۵).

راهب (۱۳۸۰)، در مقاله خود تحت عنوان «بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان دختر ساکن شهر تهران به بزهکاری به این نتیجه رسید که شیوه تربیتی مستبدانه، غفلت و بی‌توجهی والدین در گرایش نوجوانان به بزهکاری مؤثر است. عواملی مانند بعد خانوار، تعداد افراد خانواده، تحصیلات پایین والدین، نوع شغل والدین، وضعیت نامناسب اقتصادی، فضاهای کوچک زندگی در محله‌های شلوغ، نوع مسکن، جدائی و فوت والدین، انحرافات والدین و رفتار خصمانه والدین نسبت به یکدیگر از دیگر عوامل مؤثر در گرایش نوجوانان به بزهکاری می‌باشد.

سرابندی (۱۳۸۶)، در تحقیق خود تحت عنوان «علل بزهکاری نوجوانان در مشهد» نشان داده است که نابسامانی و از هم گسیختگی خانوادگی، سوء رفتار والدین، عدم توجه به خواسته‌ها، نیازهای نوجوانان، منجر به فرار از خانه و خانواده و افتادن در دامان دوستان ناباب و محیط‌های نامساعد و سرانجام منجر به ناهنجاری‌ها و کج رفتاری‌ها در اجتماع می‌شود (سرابندی، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

ساکر و همکاران (۲۰۰۵)، در تحقیق خود ۱۶۵ نوجوان مجرم را از طریق مصاحبه مورد مطالعه قرار دادند و دریافتند که اغلب نوجوانان بزهکار دارای خانواده‌های پرجمعیت، نابسامان، مهاجر و به لحاظ اقتصادی و آموزشی در سطح پایینی قرار دارند و کنترل و نظارت کافی در خانواده آنان وجود ندارد.

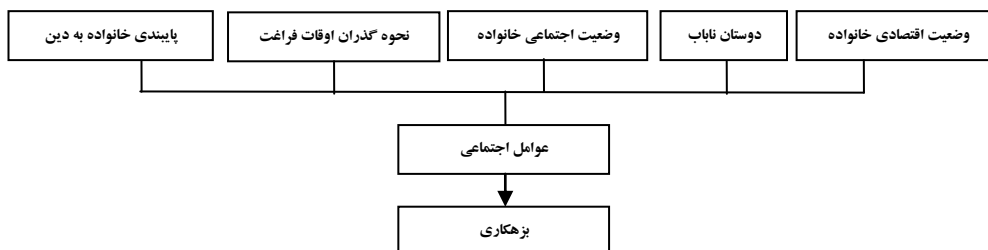
سرنکوویچ و گیردو (۱۹۸۷)، خاطر نشان کردند روابط والدین با یکدیگر و با فرزندان در پرورش عاطفی و اجتماعی نوجوانان نقش مؤثری داشته و ناسازگاری زناشویی والدین می‌تواند موجب گرایش فرزندان به بزهکاری شود. از طرف دیگر، سازگاری والدین و روابط منطقی و محبت‌آمیز بین والدین و فرزندان که به وحدت خانوادگی می‌انجامد، ارتباط جوانان را با گروه‌های همسال بزهکار محدود ساخته و از گرایش آنان به رفتار بزهکارانه می‌کاهد. نتایج آزمون تجربی روی ۹۰۰ جوان ۱۲ تا ۱۹ ساله نشان می‌دهد الگوهای متقابل اعضای خانواده روابط معنی‌داری با بزهکاری دارد. بیشتر جوانان بزهکار در این نمونه مورد مطالعه با والدین خود تعارضات و اختلاف آشکار داشته‌اند و در حالی که با والدینشان به سختی ارتباط برقرار می‌کردند تعامل آنان با دوستانشان به سهولت انجام می‌گرفت.

فیشر راستون و همکاران (۱۹۹۳)، عنوان کرده‌اند که در خانواده‌های دارای والدین سالم مشکلات مدرسه کم‌تری نسبت به کودکان خانواده‌های تک والدینی گزارش می‌شود. طبق گزارشی که یکی از

حقوق دانان به نام گادلی برای سومین کنگره جرم‌شناسی تهیه کرده بود، نشان داد که ۷۰ درصد از کودکان و نوجوانان بزهکار، خانواده گسسته داشتند. همچنین فالانری و همکاران (۱۹۹۹)، گزارش داده‌اند که نوجوانان بدون والدین به ویژه در زمان ساعات بعد از مدرسه استعداد بیشتری برای دست زدن به اقدامات بزهکارانه دارند.

در تحقیقی که اندرسون در سال (۲۰۰۲)، در مورد بزهکاری نوجوانان انجام داد، دریافت نوجوانانی که در خانواده‌های تک‌والدی زندگی می‌کنند و یا در خانواده‌های نابسامان به سر می‌برند، احتمال رفتار بزهکارانه‌شان بیش‌تر بوده است (Anderson, 2002: 585). پژوهش هافمن (۲۰۰۳)، در زمینه بزهکاری نیز نشان داد نوجوانانی که در خانواده‌هایی به سر می‌برند که وقایع استرس‌زا را تجربه می‌کنند و همچنین والدین آن‌ها نظارت کمی بر اعمال و رفتار آنان دارند، احتمال اینکه به رفتارهای بزهکارانه سوق یابند، بیش‌تر است. هاگان و فوستر (۲۰۰۳)، در پژوهشی که در مورد بزهکاری انجام داده‌اند، دریافتند که پسران نسبت به دختران بزهکارترند و نوجوانان دارای خانواده‌های تک‌والدی نسبت به خانواده‌های والدینی از بزهکاری بیشتری برخوردارند.

بنابر آنچه که ذکر گردید هدف از این بررسی آن است که با تکیه بر نظریه‌های موجود جامعه‌شناسی درباره بزهکاری کودکان و نوجوانان با استفاده از داده‌های عینی که از افراد مجرم به دست می‌آوریم و با به کارگیری تحلیل‌های پیشرفته آماری مسئله بزهکاری نوجوانان را بررسی کنیم و به ساختار عوامل مؤثر بر بزهکاری پی ببریم.



نمودار شماره (۱): مدل نظری عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری

بر مبنای چارچوب نظری و مدل تحقیق فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار خواهند گرفت:

۱- بین وضعیت اقتصادی و بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد رابطه معناداری وجود دارد.

۲- بین دوستان ناباب و بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد رابطه معناداری وجود دارد.

عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد

۳- بین پابندی خانواده به دین و بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد رابطه معناداری وجود دارد.

۴- بین نحوه گذران اوقات فراغت و بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد رابطه معناداری وجود دارد.

۵- بین شرایط اجتماعی خانواده و بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد رابطه معناداری وجود دارد.

روش

در این پژوهش از روش پیمایش از نوع توصیفی-تبیینی و برای گردآوری داده‌های موردنیاز از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر کلیه دانش‌آموزان مقطع سنی ۱۵-۱۸ سال مقطع متوسطه دوم در سطح شهرستان مهاباد می‌باشند. تعداد کل دانش‌آموزان مقطع شهرستان مهاباد بنا به گزارش مرکز رایانه آموزش و پرورش ۶۱۳۰ نفر می‌باشند. حجم نمونه پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان مقطع دوم متوسطه شهرستان مهاباد می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۴۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. با توجه به این که پژوهش حاضر به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر بزهکاری می‌پردازد، جهت انتخاب افراد نمونه از روش پیمایش از نوع کمی و نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی ساده استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر، پرسشنامه محقق‌ساخته متشکل از دو بخش اطلاعات فردی و عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری است که با استفاده از منابع معتبر علمی تهیه گردید و جهت سنجش مفاهیم آن از طیف پنج‌قسمتی لیکرت استفاده شد. نوع روش مورد استفاده این تحقیق پیمایشی می‌باشد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون آماری همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. روایی پرسشنامه با استفاده از روش‌های منطقی اعتبار محتوا (اعتبار صوری) مورد تأیید قرار گرفت. جهت تعیین پایایی ابزار نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که پس از توزیع پرسشنامه در بین ۳۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسط دوم و جمع‌آوری پاسخ‌ها ضریب ۸۱٪ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، میانگین، انحراف معیار و آمار تحلیلی مانند ضریب همبستگی پیرسون انجام شد. جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ براساس نتایج به دست آمده در این پژوهش، از مجموع ۲۴۰ نفر آزمودنی در تحقیق حاضر، دانش‌آموزان پسر با ۲۹ درصد (۷۱ نفر) کم‌ترین و دانش‌آموزان دختر با ۷۱ درصد (۱۷۱ نفر) بیش‌ترین تعداد پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند.

جدول (۱): توزیع فراوانی و درصد جنسیت پاسخگویان

جمع	دختر	پسر	فراوانی
۲۴۲	۱۷۱	۷۱	
۱۰۰٪	۷۱٪	۲۹٪	درصد

بر اساس نتایج به دست آمده در این پژوهش، از مجموع ۲۴۰ نفر آزمودنی در تحقیق حاضر، ۶۷/۱ درصد از پاسخگویان (۱۶۱ نفر) میزان تحصیلات والدین را دیپلم و فوق دیپلم، ۲۶/۳ درصد از پاسخگویان (۶۳ نفر) لیسانس و ۶/۷ درصد از پاسخگویان (۱۶ نفر) آن را فوق لیسانس و بالاتر عنوان کرده‌اند. به عبارت دیگر بیشترین میزان تحصیلات والدین معادل ۶۷/۱ درصد دیپلم و فوق دیپلم بوده است.

جدول (۲): توزیع فراوانی و درصد میزان تحصیلات والدین پاسخگویان

جمع	فوق لیسانس و بالاتر	لیسانس	دیپلم و فوق دیپلم	فراوانی
۲۴۲	۱۶	۶۳	۱۶۱	
۱۰۰٪	۶٪	۲۶/۳٪	۶۷/۱٪	درصد

بر اساس نتایج به دست آمده در این پژوهش، از مجموع ۲۴۰ نفر آزمودنی در تحقیق حاضر، ۲۵/۸ درصد از پاسخگویان (۶۲ نفر) میزان درآمد ماهیانه خانواده را زیر یک میلیون تومان، ۴۴/۶ درصد از پاسخگویان (۱۰۷ نفر) بین ۱ تا ۲ میلیون تومان، ۲۰/۸ درصد از پاسخگویان (۵۰ نفر) بین ۲ تا ۳ میلیون تومان و ۸/۸ درصد از پاسخگویان (۲۱ نفر) آن را بیش از ۳ میلیون تومان بیان کرده‌اند. به عبارت دیگر بیشترین میزان درآمد ماهیانه خانواده‌ها در دامنه ۱ تا ۲ میلیون تومان قرار گرفته است.

جدول (۳): توزیع فراوانی و درصد میزان درآمد ماهیانه خانواده (بر حسب تومان)

جمع	سه میلیون به بالا	بین دو تا سه میلیون	بین یک تا دو میلیون	زیر یک میلیون	فراوانی
۲۴۲	۲۱	۵۰	۱۰۷	۶۲	
۱۰۰٪	۸/۸٪	۲۰/۸٪	۴۴/۶٪	۲۵/۸٪	درصد

یافته‌های استنباطی؛

فرضیه اول: بین وضعیت اقتصادی و بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۴ ملاحظه می‌گردد که بین وضعیت اقتصادی و بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسط دوم شهرستان مهاباد با توجه به سطح معنی‌داری (sig=۰/۱۵۴) به دست

عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد

آمده که بیش‌تر از آلفای ($\alpha=0/05$) است، رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ در نتیجه فرض صفر تأیید و فرض تحقیق رد می‌شود.

جدول (۴): نتیجه آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای بررسی بزهکاری بر حسب وضعیت اقتصادی

وضعیت اقتصادی	بزهکاری		
	تعداد	میانگین	سطح معنی‌داری
	۲۴۰	۳/۱۶	۰/۱۵۴
ضریب همبستگی اسپیرمن			-۰/۰۹۲

فرضیه دوم: بین دوستان ناباب و بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

براساس اطلاعات جدول شماره ۵ ملاحظه می‌گردد که بین دوستان ناباب و بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسط دوم شهرستان مهاباد با توجه به سطح معنی‌داری ($\text{sig}=0/0001$) به دست آمده که کمتر از آلفای ($\alpha=0/05$) است، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ در نتیجه فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌شود.

جدول (۵): نتیجه آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای بررسی بزهکاری بر حسب دوستان ناباب

دوستان ناباب	بزهکاری		
	تعداد	میانگین	سطح معنی‌داری
	۲۴۰	۲/۷۰	۰/۰۰۰۱
ضریب همبستگی اسپیرمن			-۰/۳۶۲

فرضیه سوم: بین پایبندی خانواده به دین و بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۶ ملاحظه می‌گردد که بین پایبندی خانواده به دین و بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسط دوم شهرستان مهاباد با توجه به سطح معنی‌داری ($\text{sig}=0/0001$) به دست آمده که کمتر از آلفای ($\alpha=0/05$) است، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ در نتیجه فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌شود.

جدول (۶): نتیجه آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای بررسی بزهکاری بر حسب پایبندی خانواده به دین

پایبندی خانواده به دین	بزهکاری		
	تعداد	میانگین	سطح معنی‌داری
	۲۴۰	۳/۹۶	۰/۰۰۰۱
ضریب همبستگی اسپیرمن			-۰/۳۱۴

فرضیه چهارم: بین نحوه گذراندن اوقات فراغت و بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

براساس اطلاعات جدول شماره ۷ ملاحظه می‌گردد که بین نحوه گذران اوقات فراغت و بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسط دوم شهرستان مهاباد با توجه به سطح معنی‌داری ($\text{Sig} = 0/564$) به دست آمده که بیشتر از آلفای ($\alpha = 0/05$) است، رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ در نتیجه فرض صفر تأیید و فرض تحقیق رد می‌شود.

جدول (۷): نتیجه آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای بررسی بزهکاری بر حسب نحوه گذران اوقات فراغت

بزهکاری		تعداد	میانگین	نحوه گذران اوقات فراغت
ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی‌داری			
-0/37	0/564	240	2/43	

فرضیه پنجم: بین شرایط اجتماعی خانواده و بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۸ ملاحظه می‌گردد که بین شرایط اجتماعی خانواده و بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسط دوم شهرستان مهاباد با توجه به سطح معنی‌داری ($\text{Sig} = 0/118$) به دست آمده که بیشتر از آلفای ($\alpha = 0/05$) است، رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ در نتیجه فرض صفر تأیید و فرض تحقیق رد می‌شود.

جدول (۸): نتیجه آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای بررسی بزهکاری بر حسب شرایط اجتماعی خانواده

بزهکاری		تعداد	میانگین	شرایط اجتماعی خانواده
ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی‌داری			
-0/101	0/118	240	2/58	

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی تحقیق بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر بزهکاری نوجوانان دانش‌آموز مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد بود. در این پژوهش عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری از دیدگاه دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد که به عنوان نمونه‌ای از نوجوانان دانش‌آموز جامعه ایران انتخاب شده بود، در قالب متغیرهای وضعیت اقتصادی، دوستان ناباب، میزان پایبندی خانواده به دین، نحوه گذران اوقات فراغت و شرایط اجتماعی خانواده مورد بحث و بررسی قرار گرفت. با نگرش کلی بر یافته‌های این پژوهش می‌توان چنین استنباط نمود: نمرات بزهکاری پاسخگویان $1/75$ ، خطای انحراف میانگین $0/494$ ، واریانس نمرات، 245 می‌باشد. همچنین کم‌ترین نمره بزهکاری $1/00$ ، بیش‌ترین نمره بزهکاری $4/00$

عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد

می‌باشد. میانگین نمرات متغیر وضعیت اقتصادی ۳/۱۶، میانگین نمرات متغیر دوستان ناباب ۲/۷۰، میانگین نمرات پایبندی دینی پاسخگویان ۳/۹۶، میانگین نمرات نحوه گذراندن اوقات فراغت پاسخگویان ۲/۴۳ و میانگین وضعیت فضای خانوادگی پاسخگویان ۲/۵۸ می‌باشد. با این توصیف میانگین نمرات پایبندی دینی پاسخگویان از دیگر عوامل بیشتر می‌باشد.

بررسی فوق برحسب جنس بیانگر افزایش به کارگیری و مشارکت بیشتر دانش‌آموزان دختر در امر پاسخگویی به سؤالات پژوهش می‌باشد. برحسب میزان تحصیلات والدین بیانگر افزایش به کارگیری و مشارکت بیشتر والدین دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم در امر پاسخگویی به سؤالات پژوهش و تأثیرگذاری بر نتایج تحقیق می‌باشد. و برحسب میزان درآمد ماهیانه خانواده نشان می‌دهد که خانواده‌هایی که در امر پاسخگویی به سؤالات پژوهش شرکت نموده‌اند، دارای درآمد ماهیانه زیر یک میلیون تومان می‌باشند.

بین وضعیت اقتصادی و بزهکاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. لذا بر این اساس، فرض صفر تأیید و فرض یک رد می‌گردد. یافته‌های این فرضیه با نظریه فشار آگینو همخوانی دارد. بنابراین فراهم نبودن شرایط و امکانات اقتصادی برای برآورده کردن خواسته‌های دانش‌آموزان فشار زیادی را بر فرد در جهت بزهکاری وارد می‌کند. همچنین نتایج تحقیق ساکر و همکاران (۲۰۰۵) و احمدی (۱۳۸۴) نشان داد که نابسامانی اقتصادی و عدم کنترل و نظارت کافی در خانواده بر بزهکاری جوانان از عوامل مؤثر بر بزهکاری به شمار می‌آیند. هر چند در تحقیق حاضر چنین نتیجه‌ای حاصل نشد.

بین داشتن دوستان ناباب و بزهکاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد. لذا بر این اساس، فرض صفر رد و فرض یک تأیید می‌گردد. یافته‌های این فرضیه با نظریه هیرشی همخوانی ندارد. هیرشی در نظریه کنترل اجتماعی بیان می‌دارد افرادی که با گروه‌هایی مانند خانواده، مدرسه و گروه همسالان رابطه قوی و محکمی داشته باشد، کم‌تر مرتکب اعمال بزهکارانه می‌شود در حالی که نتایج این فرضیه خلاف نظریه هیرشی را نشان می‌دهد؛ اما یافته‌های این فرضیه با نظریه بوم‌شناختی برگس و ساترلند همخوانی دارد. برگس در نظریه بوم‌شناختی معتقد است که گروه‌های همسال بزهکار در منطقه انتقالی باعث بزهکاری فرد می‌شود. براساس نظریه تفاوت ادوین ساترلند اکثر رفتارهای بزهکارانه در درون گروه‌های همسن و سال روی می‌دهد. همچنین سرابندی (۱۳۸۶) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی علل بزهکاری نوجوانان در مشهد» به این نتیجه رسید عدم توجه به خواسته‌ها و نیازهای نوجوانان منجر به فرار از خانه و خانواده و افتادن در دام دوستان ناباب و محیط‌های نامساعد و سرانجام منجر به بروز نابهنجاری‌ها و کج‌رفتاری‌ها در اجتماع از طریق برخوردار بودن دوستان ناباب گردیده است. بین میزان پایبندی خانواده به دین و بزهکاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد. لذا بر این اساس، فرض صفر رد و فرض یک تأیید می‌گردد. یافته‌های این فرضیه با نظریه هیرشی، ساترلند و دورکیم همخوانی ندارد. براساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی بزهکاری ناشی از بی‌اعتنایی و

بی‌اهمیتی به قیدوبندهای اجتماعی است. براساس نظریه بی‌سازمانی اجتماعی دورکیم هنگامی که نقش مذهب در زندگی انسان کم‌رنگ‌تر شود، زمینه برای گرایش به رفتار انحرافی در فرد تقویت می‌شود. ساترلند بزهکاری نوجوانان را ناشی از خطای خانواده‌ها در یاد دادن ارزش‌ها و هنجارهای معنوی می‌داند در حالی که نتایج این فرضیه خلاف نظریه‌های فوق را ثابت می‌کند.

بین نحوه گذران اوقات فراغت و بزهکاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. لذا بر این اساس، فرض صفر تأیید و فرض یک رد می‌گردد. نتایج به دست آمده حاکی از آن هستند که نحوه گذراندن اوقات فراغت ارتباط چندانی با بزهکاری نوجوانان ندارد.

بین شرایط اجتماعی خانواده و بزهکاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. لذا بر این اساس، فرض صفر تأیید و فرض یک رد می‌گردد. یافته‌های این فرضیه با نظریه بی‌سازمانی اجتماعی دورکیم و نظریه کنش پارسونز همخوانی ندارد. دورکیم در نظریه بی‌سازمانی اجتماعی می‌گوید کاهش کارایی نهادهای اجتماعی مانند خانواده باعث گرایش دانش‌آموزان به سمت بزهکاری می‌شود در حالی که نتایج این فرضیه خلاف این نظریه را نشان می‌دهد. همچنین پارسونز در نظریه کنش اجتماعی می‌گوید در صورتی که نهادها و سازمان‌های کارگزار جامعه‌پذیری مانند خانواده، مدرسه و غیره کارایی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی شده و پیامد آن شیوع رفتار انحرافی در جامعه است. اندرسون و هافمن در تحقیقاتی در زمینه بزهکاری نوجوانان نشان دادند که احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه در نوجوانانی که در خانواده‌های تک‌والدی و یا در خانواده‌های نابسامان زندگی می‌کنند، بیش‌تر است. همچنین نوجوانانی که در خانواده‌هایی پر استرس و اضطراب به سر می‌برند بیشتر به سمت رفتارهای بزهکارانه گرایش پیدا می‌کنند. براساس تجزیه و تحلیل صورت گرفته در این تحقیق، شرایط اجتماعی خانواده از نظر دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد تأثیر چندانی بر بزهکاری آنان ندارد.

منابع:

- احمدی، حبیب. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه.
- فرجاد، محمد حسین. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی و کجروی‌های اجتماعی. تهران: انتشارات قوه قضاییه.
- سربندی، ش. (۱۳۹۶). علل بزهکاری نوجوانان در مشهد. کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی اجتماعی (انحرافات اجتماعی). چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات آوای نور.
- کاوه، محمد. (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی (جلد اول). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

عوامل اجتماعی مؤثر بر بزهکاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان مهاباد

- محمدی اصل، عباس. (۱۳۹۵). بزهکاری نوجوانان و انحراف اجتماعی. انتشارات: علم، نسخه اول، صص ۴۰-۶۸.
- معظمی، شهلا. (۱۳۹۲). بزهکاری نوجوانان. تهران: انتشارات دادگستر، چاپ اول، ص ۵۵.
- Anderson, A. L. (20۱2). Individual and Contextual Influences on Delinquency: The Role of The Single-Parent Family, Journal of Criminal Justice.
 - Duas de. E. (2011). Scrolling in social research. Translation: Hooshang Nayebi, First Edition, Tehran: Nashrineh.
 - Durkheim, A. (1389). About Dividing Social Work. Translated: Bagher Parham, First Edition, Publications: The role of the world (Babylon Library).
 - Durkheim, A. (1393). The rules of the methodology of sociology. Translation: Ali Mohammad Kardan, Fifth Edition, Tehran: Tehran University Press and Publishing Institute.
 - Hirschi, Travis (2009). Separate but unequal is Better, "journal of Research in Crime and Delinquency 16: 34-38.
 - Hoffmann, J. P. (2013). A Contextual Analysis of Differential Association, Social Control, and Strain Theories of Delinquency, Social Forces, 81(3): 753-758.